

بازپژوهی ملاک‌ها و ضوابط تحقق قوه قاهره در پرتو اعتبار قضایی یافته‌ها و پیشرفت‌های علمی در عرصه دانش فنی و مهندسی^۱

الهام حافظی^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۱/۲۰

سید مرتضی قاسم زاده زاویه (نویسنده مسئول)^۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۳/۱۷

سام سواد کوهی فرد^۳

احمد باقرزاده^۴

چکیده

امروزه قوه قاهره به عنوان یکی از اصطلاحات معمول و متداول در حقوق قراردادی شناخته می‌شود که اثبات یا عدم اثبات آن در دعوایی می‌تواند منشا آثار متعدد باشد. برای تشخیص قوه قاهره در کشورهای مختلف و نظام‌های حقوقی گوناگون سه معیار پیش‌بینی پذیری، قابلیت رفع و دفع و معیار خارجی بودن به عنوان معیارهای تحقق قوه قاهره معرفی شده‌اند. آنچه مسلم است آن است که طبیعتاً در مواردی شرایط و اوضاع قراردادی تحت تاثیر قوه قاهره قرار می‌گیرد با این حال آنچه تبیین و بررسی آن ضروری است این است که نقش دانش روز از جمله پیشرفت‌های فنی و مهندسی در شناخت وضعیت قوه قاهره تا چه اندازه موثر و معتبر است. در قوانین و رویه قضایی کشورهای گوناگون در نظام‌های حقوقی نوشته و عرفی مشاهده می‌شود که اثبات وضعیت قوه قاهره امری کاملاً عرفی است و با ملاک‌های عرفی سنجیده می‌شود و از این منظر از آنجا که عرف مبتنی بر دانش عمومی است یافته‌ها و پیشرفت‌های فنی و مهندسی نقشی به‌سزا در مشخص کردن حدود و ثغور قوه قاهره دارد وانگهی مادام که ثغور اعتبار دانش فنی مشخص نشود استناد به آن در دادگاه بلاوجه است. در مقاله حاضر با روش تحلیلی توصیفی به این مساله پرداخته شده و ابعاد و جوانب مختلف موضوع مورد بررسی قرار گرفته است.

کلمات کلیدی قوه قاهره، مسئولیت قراردادی، فورس ماژور، اعتبار حقوقی

^۱ دانشجوی دکتری حقوق خصوصی دانشکده حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد بین الملل

کیش elhamhafezi111@gmail.com

^۲ عضو هیئت علمی دانشکده حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب، دکتری حقوق خصوصی، دانشکده حقوق دانشگاه

آزاد اسلامی واحد جنوب، ایران Sayed.m.qasemzadeh@gmail.com

^۳ استادیار دانشکده حقوق آزاد اسلامی واحد تهران جنوب

^۴ استادیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب، تهران، ایران-aa

bagherzadeh@azad.ac.ir

معافیت از انجام تعهد یا عذر موجه که از آن به قوه قاهره یا فورس ماژور نام برده می شود یکی از موضوعات مهم در تعهدات قراردادی و غیر قراردادی است که از سطح خرد در روابط اشخاص حقیقی جامعه تا سطح کلان و روابط حقوقی اشخاص حقوق بزرگ نظیر دولت ها و سازمان های بین المللی قابل ارزیابی و بررسی است. طرفی که استناد به وقوع فرس ماژور می نماید باید اثبات کند که با توجه به امکانات فنی و مهندسی موجود در اختیار او امکان دفع عامل خارجی میسر نبوده و در مقابل طرف دیگر دعوا نیز با استناد به یافته های فنی و مهندسی سعی بر آن دارد تا ادعای خود مبنی بر کم کاری طرف مقابل را به اثبات رساند. بر این اساس استناد به امکانات فنی و مهندسی و نیز یافته های تازه علمی در این عرصه از اهمیت به سزایی برخوردار است. آنچه در این موضوع قابل توجه می باشد اعتبار یافته های علمی در مقام اثبات یا دفاع در محکمه است که در قالب های مختلفی از جمله در قالب کارشناسی و نظریه کارشناس متبلور می شود. در مقاله حاضر به بررسی حدود و ثغور قوه قاهره و نیز نقش دخالت دانش مهندسی در این عرصه خواهیم پرداخت.

گفتار اول: ماهیت و ضوابط عمومی تحقق فورس ماژور

دکترین یا شرط معافیت فورس ماژور چه در سطح ملی و چه در سطح بین المللی، نقش مهمی را در حمایت از طرفین قرارداد ایفا می کند. چنین دکترین یا شرطی، انجام تعهداتی را که عملاً یا تقریباً غیر ممکن شده است را طبق قرارداد، معاف می سازد. مفهوم فورس ماژور در حقوق سیویل لا و دکترین فراسترین یا انتفای قرارداد در کامن لا به اندازه ی شروط قراردادی فورس ماژور ممکن است چنین تأثیراتی را به همراه داشته باشد.

مفهوم فورس ماژور (قوهی مافوق)^۲ از حقوق رم نشأت گرفته است تحت عنوان ویس ماژور^۳ یا ویس دیوینا^۴ مطرح شده و به معنای وقایع غیرقابل پیش بینی و غیرقابل اجتنابی است که طرف متعهد را از اجرای تعهد معاف می سازد. این مفهوم بعدها در کشورهای دارای سیویل لا یا حقوق نوشته اتخاذ شد و امروزه در مجموعه قوانین فرانسه (کد ناپلئون) یافت می شود که به سال ۱۸۰۴م بر می گردد. حقوق نوشته بیشتر از آنکه خسارت یا جبران آن را مدنظر قرار دهد، ایفای تعهد را ملحوظ نظر قرار داده است. از آنجا که از این اصل پیروی می کند که یک طرف قرارداد نمی تواند متعهد به اجرای غیرممکن شود، حتی اگر در قرارداد، آن را به عهده گرفته باشد.

در حوزه های قضایی سیویل لا، فورس ماژور (عذر عدم اجرا) را حتی در نبود مقررات صریح قراردادی، می پذیرد و دلیل آن، مقرر کردن حقوق و مجموعه قوانین داخلی است که فورس ماژور را رافع مسئولیت متعهد در شرایطی که امکان اجرای تعهداتش از میان رفته است می دانند. اگرچه در کشورهایی با سیستم حقوق نوشته در رابطه با مفهوم فورس ماژور شباهت های بسیار وجود دارد اما تفاوت هایی نیز هست.

ماده ی ۱۱۴۸ مجموعه ی قانون مدنی فرانسه مقرر می دارد:^۵

^۲ Superior Force

^۳ Vis Major

^۴ Vis divina

^۵ Article ۱۱۴۸ of The French Civil Code: No Claim for damages arises where a debtor was prevented from transforming or from doing that to which he was bound, or did what was forbidden to him, by person of force majeure or of a fortuitous event.

هنگامی که متعهد از انتقال یا انجام تعهدی که بدان ملزم شده، بازداشته شود یا انجام آن برایش ممنوع شده باشد به علت فورس ماژور یا یک رویداد اتفاقی، هیچ گونه ادعایی برای مطالبه ی خسارت وجود نخواهد داشت.

ماده ی ۱۴۷۰ مجموعه قانون مدنی کبک کانادا عنوان می کند:^۶ یک شخص ممکن است خود را از مسئولیتی که بواسطه ی وارد آوردن خسارت به دیگری ایجاد شده، به وسیله ی اثبات آن که این عمل ناشی از یک قوه ی مافوق^۷ (فورس ماژور) بوده است برهاند مگر آن که قبلا جبران خسارت آن را بر عهده گرفته باشد.

قوه ی مافوق یا سوپرایر فورس، یک واقعه ی غیرقابل پیش بینی و اجتناب ناپذیر است که شامل دلایل خارجی با همان خصوصیت فورس ماژور می شود و در این باره ماده ی ۳۳۶ مجموعه قانون مدنی یونان اظهار می دارد:^۸ متعهد از اجرای هرگونه تعهدی که ناشی از عدم امکان اجرا برای او باشد معاف است اگر ثابت کند که این عدم امکان مربوط به واقعه ای است که او هیچ گونه مسئولیتی در قبال آن ندارد. متعهد این وظیفه را دارد که بعد از آگاهی از عدم امکان اجرای تعهداتش، فوراً طرف دیگر را آگاه سازد.

این واقعیت که قانون فرانسه از هردو واژه ی «واقعه ی اتفاقی»^۹ و «فورس ماژور» استفاده می کند بیانگر این است که یک تفاوت قراردادی میان این دو مفهوم وجود دارد. از نظر تئوریک، واقعه ی اتفاقی ممکن است دلالت بر خسارتی داشته باشد که ناشی یا در حیطه ی کنترل متعهد بوده است (مانند آتش سوزی) که به طور نسبی غیرقابل رفع است.^{۱۰} از طرفی واقعه ی فورس ماژور، نشانگر واقعه ای خارج از حیطه ی کنترل متعهد است (مانند سیل) که بطور مطلق، غیر قابل رفع است. در عمل، حقوق فرانسه و کبک، از هردو اصطلاح به صورت جایگزین استفاده می کنند. به علاوه، به نظر می رسد که اصطلاح فورس ماژور بیشتر از اصطلاح واقعه ی اتفاقی به کار رفته است.

بر اساس حقوق فرانسه سه عامل برای واجد شرایط شدن فورس ماژور لازم است:

خسارتی که ناشی از رخداد فورس ماژور است باید خارجی، غیر قابل پیش بینی و غیر قابل اجتناب باشد. این سه عامل باید با یکدیگر جمع شوند.^{۱۱} خارجی بودن یا خارج از حیطه ی فعالیت یا کنترل بودن ناظر بر مواردی

^۶ Article ۱۴۷۰ of The Quebec Civil Code: A person may free himself from his liability for injury Caused to another by proving that the injury results from superior force, unless he undertaken to make reparation for it.

^۷ Superior Force

^۸ Article ۳۳۶ of The Greek Civil Code: the debtor is excused if performance of any obligation caused by his inability to perform if he proves that his inability is due to an event for which he was not responsible. The debtor has the obligation to notify the Creditor immediately after he becomes aware of his inability to perform.

^۹ Fortuitous

^{۱۰} Philippe LE Tourneau, Droit De La Responsabilite Des Contrats, Dalloz, ۱۶ ed. (۲۰۰۶ - ۲۰۰۷), pp. ۴۸۲ - ۴۸۳.

^{۱۱} برای توضیح بیشتر رک به :

چون «کار خدا»، «جنگ» یا «مجوز قانونی» است که در قراردادهای مربوط به حمل و نقل زمینی یا دریایی کالاها یا حتی سرمایه گذاری، رافع مسئولیت می باشد.

با این وجود در موارد خاصی، حتی وقایعی که معمولاً داخل در حیطه ی فعالیت یا کنترل متعهد فرض می شود، توسط دادگاه های حقوق نوشته، واجد شرایط فورس ماژور تلقی شده اند،^{۱۱} که در این خصوص اعتصاب کارمندان، در حقوق فرانسه، کبک و یونان، مصداقی از فورس ماژور قلمداد شده است. در نتیجه ممکن است گفته شود که در سیویل لاء خارجی بودن مانع فورس ماژور به عنوان عامل اساسی مفهوم فورس ماژور جدای از عوامل غیرقابل پیش بینی و غیر قابل اجتناب، در نظر گرفته نمی شود. در مفهوم فورس ماژور در نظام حقوقی نوشته، غیر قابل پیش بینی بودن مانع، هنگام انعقاد قرارداد، بیش از هر چیز دیگر حائز اهمیت است. حتی اگر وقایع اتفاقی چون جنگ در زمان انعقاد و تشکیل آن قابلیت پیش بینی داشته باشد آنچه باید مورد توجه قرار گیرد غیر معمول بودن، نادر بودن و سوپرایز بودن مانع است. با این حال در دادگاه های فرانسه، اینکه مانع فورس ماژور باید مطلقاً غیرقابل پیش بینی باشد، به طور بدوی و از ابتدا حاکم بوده است.^{۱۳}

در مورد عامل سوم که غیر قابل کنترل بودن مانع است، اگر مانع اجرای تعهد را غیرممکن نکند چه به صورت موقت چه دائم، در حقوق کشورهای نوشته، از جمله فرانسه فورس ماژور قلمداد نمی شود و به تبع آن رافع مسئولیت نیز نیست مثل دشواری یا غیرعملی بودن تجاری.^{۱۴}

در حقیقت، دکترین فورس ماژور در سیستم کامن لا که در طی سال ها، تکامل یافته است، از قرن ۱۹ میلادی به عنوان مترادف دکترین عدم امکان^{۱۵} اجرا در کامن لا به کار رفته و در جهت غیرعملی شدن^{۱۶} قرار گرفته است.^{۱۷} در کشورهای انگلستان و ایالات متحده ی آمریکا، دو دکترین فوق با دکترین فراستریشن یا انتفای قرارداد مرتبط

Christian Larromet, *Droit Civil - Les Obligations - Le Contrat - Econormica*, ۵th ed. (۲۰۰۳), ۸۳۰ ("Inreditable, insurmountable are deemed synonymous terms"). Quebec: Baudouin Jodin, *Les Obligations*, Edition YvonBlais, ۶h ed. (۲۰۰۵), ۹۳۸. Greece: Supreme, Court (۲۰۰۳), No. ۶۷/۲۰۰۳ (۳۲۰۱۲۶) *Nomos* - However the analysis that follows proves the relativity of the Concept based on three elements.

^{۱۱} (Ibid) France: Larromet, *Supranote*, ۸۳۰/ Quebec: Baudouin/jodin, *supra Note*, ۹۳۸.

^{۱۳} France: Cass ۱ Civ. (۳ July ۲۰۰۲), No. ۹۹-۲۰۲۱۷ *legifrance*. Ouebec: in *Metal Recycle (FNF) inC.V. Transnat Express inC.*, the court held that theft of goods transported by the carrier is not a force majeure event except in extraordinary Circamstances. Greece: Athens Court of Appeals (۱۹۸۷), No. ۱۴۳۲/۱۹۸۷ (۶۴۲۹۶) *Normos*

^{۱۴} Perillo, Joseph, "Force Majeure and Hardship Under the Unidroit Principles of International Commercial Contract", ۵ *Tulane Journal of International Comparative Law* (۱۹۹۷), ۵, ۷.

^{۱۵} Impossibility

^{۱۶} Impracticability

^{۱۷} SPJM Declera. "Modern Analysis of the Legal Effects of Force Majeure Clauses in Situation of Commerical Impracticability" ۱۵ *Jounal of Law, Commerce* (۱۹۹۵), ۲۷۳, ۲۱۴.

The Authority English Cases on Impossibility and Impracticability are *taylor V. Caldwell*, ۳۲ LYQB ۱۶۴ (۱۸۳۶).

می باشد و بدین معنا است که وقوع مانع بر سر اجرای تعهدات، اجرای آن را از آنچه در ابتدا در مورد انعقادش توافق شده بود بسیار متفاوت ساخته به طوری که موجب غیر عاقلانه شدن اجرای تعهد شده، لیکن آن را ناممکن نساخته است. به طور کلی در کامن لا، قرارداد بیشتر شبیه به ضمانت اجراست، اگر یک طرف تعهد، یکی از تعهدات مندرج در قراردادش را نقض کند، طرفی که متحمل خسارت شده، بدون در نظر گرفتن تقصیر عدم انجام طرف تعهد، حق ادعای جبران خسارت دارد.

در حقوق انگلستان در قانون فروش کالا^{۱۸}، لفظ فورس ماژور به کار نرفته اگرچه ممکن است در پاره ای قراردادها از اصطلاح مذکور استفاده شود. در حقوق این کشور، نزدیکترین مفهوم به فورس ماژور، مفهوم انتفای قرارداد و عدم امکان اجراست اگرچه این دو نهاد در مفهوم و قلمرو با فورس ماژور تفاوت دارند. نکته ی مهمی که باید بدان اشاره کرد این است که به نظر می رسد شرط غیرقابل پیش بینی بودن حادثه بغیر مترغبه در این حقوق، بخشی از تنوری فورس ماژور و جزء شاخص های اصلی آن محسوب نمی شود و مدعی فورس ماژور تنها باید وقوع حادثه ی خارج از کنترل، اجتناب ناپذیری از آن یا عدم امکان کاهش آثار آن را اثبات نماید.^{۱۹}

در مجموعه قوانین متحد الشکل^{۲۰} تجاری آمریکا نیز، مبحث مستقلی تحت عنوان فورس ماژور یا حوادث غیر مترقبه یافت نمی شود اما در مواد ۲-۶۱۶ تا ۲-۶۱۴ این مجموعه به مواردی که مفهومی شبیه فورس ماژور دارند اشاره شده است. با مروری بر مواد مذکور مشاهده می گردد که در حقوق این کشورها شاخص غیر قابل پیش بینی بودن چندان مورد توجه نیست.

شناخت فورس ماژور و شرایط تحقق آن در حقوق موضوعه

اینکه چه شرایطی مصداق فورس ماژور است امری است که جز با مطالعه اوضاع و احوال امر مشخص نمی شود. در ادامه ملاک هایی که جهت شناخت وضعیت فورس ماژور ارائه گردیده است را بررسی می نمائیم:

الف: غیر قابل پیش بینی بودن^{۲۱}

یک حادثه ی غیر قابل پیش بینی معمولاً به آن چه اطلاق می شود که در زمان عقد قرارداد، احتمال وقوعش به گونه ای منطقی و معقول، قابل پیش بینی نباشد. در تمامی نظام هایی که فورس ماژور یا سایر مفاهیم معافیت از اجرا وارد شده است، توجه به این مسئله لازم دانسته شده که مانع ایجاد شده نباید قابل انتساب به متعهد و ناشی از تقصیر او باشد؛ چه در صورتی که حادثه ی مذکور قابل پیش بینی باشد، متعهد موظف به اتخاذ تدابیر احتیاطی

^{۱۸} - Sale of Goods Act (SGA)

مصوب سال ۱۸۹۳. اصلاحی در سال های ۱۹۷۹، ۱۹۹۲ و ۱۹۹۵

^{۱۹} Benjamin's Sale of Goods Board of Editors, 5th edition, Sweet & Maxwell, London, p.

۴۲۶.

^{۲۰} Uniform Commercial Code (UCC)

^{۲۱} unforeseeability

برای اجتناب از رخداد آن است و هنگامی که بدون توجه به لحاظ نمودن ریسک مرتبط با آن، قرارداد را منعقد کند، مرتکب نوعی تقصیر در معنای عام شده است^{۲۲} که موجب سلب مسئولیت از او نمی شود.

برای مثال در یک پرونده ی دزدی که موضوع آن، مورد دزدی مسلحانه واقع شدن یک هتل لوکس با مشتریان ثروتمند و لوازم و ظاهر لوکس بوده، دادگاه چنین رأی داد که واقعه ی رخداده چندان غیرقابل پیش بینی نبوده است حتی اگر هتل مذکور در این زمینه (دزدی گسترده)، هیچ گونه تجربه ای نداشته باشد.^{۲۳}

همچنین از آن جا که مسئولیت قراردادی ناشی از رضایت طرفین به قرارداد است پس اگر واقعه ای قابلیت پیش بینی داشته است. بدین معناست که طرفین به آن رضایت داده اند و با وقوع مانع، یک طرف تعهد نمی تواند به انکار آن چه قبلاً پذیرفته پردازد.^{۲۴}

به طور کلی در زمینه پذیرش عدم قابلیت پیش بینی یک واقعه، شاید بتوان قائل به تفکیک میان «پیش بینی نشده» و «غیر قابل پیش بینی» شد. بدین صورت که واقعه ای ممکن است قابلیت پیش بینی داشته باشد اما توسط طرفین تعهد در زمان عقد قرارداد، اصلاً در نظر گرفته نشده است. از طرفی دیگر گاهی واقعه ای رخ می دهد که به طور کلی غیرقابل پیش بینی است. در مورد نظریه ی واقعه ی «پیش بینی نشده» صرف این که امری در نظر یا تصور طرفین نبوده می تواند از جمله شاخص های فورس مازور قلمداد شود در صورتی که در مورد نظریه ی واقعه ی «غیرقابل پیش بینی»، مانع ایجاد شده حتماً باید قابل پیش بینی باشد؛ بدین معنا که پیش بینی وقوع آن در زمان انعقاد قرارداد به هیچ روش معقولی ممکن نباشد.^{۲۵} که در بیشتر موارد همین نظریه مورد توافق قرار گرفته است.

ممکن است گفته شود که بحران های اقتصادی هم در قالب نوسانات قیمت گنجانیده می شود اما تفاوت عمده ی بحران اقتصادی با مفهوم اخیر، این است که یک بحران اقتصادی می تواند ظرف مدت کوتاهی از اجرای قرارداد اتفاق بیفتد که به سختی بتوان پیش بینی کرد چنین تغییری قیمتی در طول مدتی کوتاه، عملی است. به نظر عده ای اگر بحران اقتصادی آن قدر شدید باشد که به از بین رفتن بخش عمده ای ارزش یک ارز منجر شود، مسئله ی ایجاد شده باید با قانون گذاری جدید حل شود و اصول حقوقی (مثل فورس مازور) در اینجا چندان کارساز نیست.^{۲۶}

^{۲۲} با این همه در یکی از پرونده های مربوط به کانال سوئز، قاضی آمریکایی چنین رأی داد که قابلیت پیش بینی یک واقعه لزوماً به معنای تخصیص زیست مرتبط با آن واقعه نیست. اما باز به دلایل دیگر از اعضای جلوگیری شد.

Transnational Finance Corporation V. United States ۳۶۳ F۲۰ ۳۱۲ at ۳۱۸ ۱۹۶۶; Treitel, SirGuenter, "Frustration and Force Majeure", Sweet & Maxwell. ۲۰۰۸, P-۵۰, para ۱۳-۰۱۱۰; David Rivkin.W, "Lex Mercatoria and Force Majeure", pub ICC, No ۴۸۰,۴,۱۹۹۹, p.۱۶۹.

^{۲۳} Firoozmand, Mahmoud Reza, Supra note ۷۲, p.۱۶۴

^{۲۴} M Perillo, Joseph, "Force Majeure and Hardship under UNIDROIT Principles of International Commercial Contract", Tulane Journal of International Law and Comparative Law ۵,۱۹۹۷.p.۱۱۸.

^{۲۵} Brunner, Christopher, Force Majeure and Hardship under General Contract Principles.Exemption for Non Performance in International Arbitration, Kulwer ۲۰۰۹, p. ۱۵۷.

^{۲۶} Treitel, Sir Guenter, above note ۹۵, p. ۳۰۵. Para ۶-۰۴۵.

دادگاه های ایتالیا نیز ماده ۱۴۶۷ قانون مدنی خود را در موارد افزایش قیمت به سختی قبول می کنند و برآنند که افزایش قیمت ها، قابل پیش بینی هستند و یا آن قدر غیر عادی نیستند که موجب اعطای معافیت از اجرا گردند. این رویکرد نشان دهنده ی آن است که اگر تغییرات غیرعادی باشد، می تواند موجبی برای استناد به عذر عدم اجرا گردد.^{۲۷}

چنین گفته شده است که تنها راهی که در آن، دادگاه های آمریکا به دلیل افزایش قیمت در قراردادهای بلند مدت، اعطای معافیت کرده اند پرونده ی « شرکت آلومنیوم آمریکا علیه گروه ایسکس اینکور پورشین» بوده است.^{۲۸}

ب : غیر قابل کنترل بودن یا عدم امکان^{۲۹}

یکی دیگر از شاخص های تعیین کننده ی فورس ماژور که بیشترین ارتباط را با مفاهیم فنی و مهندسی می یابد، غیرقابل اجتناب یا غیر قابل کنترل بودن مانع است که از آن به "ناممکن شدن اجرا" هم نام برده می شود و به این امر اشاره دارد که اجرای تعهد با وقوع چنین حادثه ای، صرفاً دشوار نشده بلکه متعهد را از اجرای آن باز داشته به صورتی که با تلاش و هزینه ی معقول هم مانع از بین نرود. در حقوق ایران، ماده ی ۲۲۹ قانون مدنی بدین شرط تصریح و در حقوق فرانسه، ماده ی ۱۱۴۸ قانونی به آن اشاره می کند.

در اینجا دو مسئله، قابل طرح است. یکی اینکه معیار غیرقابل کنترل بودن، معیاری شخصی است یا نوعی و دیگری اینکه آیا خارج از کنترل بودن، حد یا حدود خاصی دارد تا مورد پذیرش قرار گیرد؟

در حقوق فرانسه گفته می شود مقصود از عدم امکان در این باب، عدم امکان مطلق است نه نسبی یا شخصی.^{۳۰} یعنی حادثه ای فورس ماژور محسوب می شود که باعث عدم امکان اجرای تعهد برای همه باشد، نه فقط برای متعهد و ناشی از وسایل و امکانات ضعیف و محدود او.^{۳۱}

برای تشخیص عدم قابلیت کنترل یک مانع معمولاً از اصطلاحاتی مانند «به طور معقول قابل کنترل نباشد» استفاده می شود یا اینکه گفته می شود انجام تعهد بطور نوعی غیرممکن شده باشد. به طور نوعی یعنی در نظر گرفتن وضعیت متعهد با توجه به نوع و هدف قرار داد و اینکه رفتار دیگران در وضعیت او به چه نحوی خواهد بود. در حقوق آمریکا نیز ظاهراً همین نظر پذیرفته شده است: مثلاً به موجب برخی آراء، اعلام شده است که اعسار یا ورشکستگی متعهد که از موارد عدم امکان شخصی است، موجب معافیت او نخواهد بود^{۳۲} البته باید توجه داشت

^{۲۷} Rivkin, David above note ۹۵; Article ۱۴۶۷ Italian Civil Law, ۱۹۴۲: "Where Extra Ordinary and Unforeseeable Events Render One pParty's Performance under as Continues or Periodic Contract Excessively Onerous, that Party may Dissolve the Contract unless the Party Offers to Modify the Contract in an Equitable Manner."

^{۲۸} Aluminnum co of America V. Essex Group Inc. ۴۹۹۹. F۲d At ۲۵۳ (۱۹۸۰). available at: www.quimbee.com/Cases/۷۰۸۶۸۱ (Last access: ۳/۱۱/۲۰۱۴)

^{۲۹} Insurmountability-Impossibility.

^{۳۰} subjective

^{۳۱} صفایی، سید حسین " قوه ی قاهره با فورس ماژور بررسی اجمالی در حقوق تطبیقی و حقوق بین الملل و قراردادهای بازرگانی بین المللی"، مجله ی حقوقی، دفتر خدمات حقوقی بین المللی، ش ۶، تابستان ۱۳۶۴، ص ۱۱۹.

^{۳۲} CORBI on Contract, T, . ۱۹۶۲ , ۱۳۳۲.

اگر قرارداد از نوع خاصی باشد که ذی نفع با توجه به ویژگیهای متعهد، او را برگزیده است، دیگر معیار نوعی کاربرد ندارد. در مورد میزان و حدود عدم قابلیت کنترل نیز باید گفت که عدم امکان اجرا باید مطلق باشد که در آرای مختلف هم بدان اشاره شده است.^{۳۳}

در اینجاست که تفاوت مفهوم تعسر اقتصادی و غیر عملی بودن تجاری با فورس ماژور، روشن می شود به گونه ای که در مورد اخیر لازم نیست اجرا، غیرممکن شده باشد همین که بسیار دشوار شده باشد یا با صرف هزینه های گزاف، شدنی یا به نحو اساسی توازن اولیه قرارداد را برهم زده باشد، کافی است.

ج: خارجی بودن^{۳۴}

از ویژگی های دیگر فورس ماژور، خارجی بودن آن است. بدین معنا که خارج از تعهد و قلمرو مسئولیت او باشد. تأکید بر وجود این خصیصه به این علت است که متعهد نباید برای وقایعی که خودش مسئول آنهاست معاف از اجرا شود. بنابراین، عیب مواد اولیه با تقصیر کارکنان متعهد، قوه قاهره به شمار نمی آید هر چند که غیرقابل پیش بینی و غیر قابل کنترل باشد.^{۳۵}

در ماده ی ۲۲۶ قانون مدنی ایران با عنوان اینکه «متخلف از انجام تعهد وقتی محکوم به تأدیه خسارت می شود که نتواند ثابت نماید که عدم انجام، بواسطه ی علت خارجی بوده است که نمی توان به او مربوط نمود.» به نکته ی فوق اشاره شده است. ماده ی ۱۱۴۷ قانون مدنی فرانسه نیز که دارای عبارت مشابه ماده ی ۲۲۶ قانون مدنی ایران است، با ذکر جمله ی «علت خارجی که قابل انتساب به متعهد نباشد» مفید همان نکته است.

به نظر می رسد داخلی یا خارجی بودن مهم نیست؛ بلکه مهم این است که حادثه قابل انتساب به متعهد نباشد و به تعبیر قانون مدنی ایران چنان باشد که عرفاً نتوان آن را به متعهد مربوط دانست. بنابراین تقصیر متعهد با قوه ی قاهره قابل جمع نیست: در آنجا که قوه ی قاهره محقق شود، تقصیر از سوی متعهد منتفی است.

اینکه حادثه ی ناشی از تقصیر متعهد یا اشخاصی که متعهد، جوابگوی اعمال آنهاست، فورس ماژور محسوب نمی شود، ظاهراً مورد اتفاق نظر همه ی نظام های حقوقی است. در گزارش دبیرخانه ی سازمان ملل متحد هم ضمن لازم دانستن رابطه ی سببیت بین واقعه ی فورس ماژور و عدم اجرای تعهد، به این نکته اشاره شده است.^{۳۶}

^{۳۳} رأی ۳۷۴۰ در سال ۱۹۸۱ از دیوان داوری اتاق بین المللی بازرگانی که صرف تصدیی دولت به تجار به طور کلی مبنی بر عدم صادرات کالا را کافی ندانسته بود چون معتقد بود به حد کافی، اجرای تعهد را ناممکن ساخته و شاید هنوز تأجر می توانسته مجوز صادرات را بدست آورد و مانع را از بین ببرد به نقل از:

Melis warner, " Force Majeure and Hardship Clauses in International Commercial Contracts, in View of the Practice of ICC court of Arbitraion ", Journal of International Arbitration ۸۱، ۱۹۸۴، p ۲۱۹.

^{۳۴} Externality

^{۳۵} صفایی، سید حسین، منبع پیشین، ص ۱۲۳

^{۳۶} گزارش دبیر خانه سازمان ملل: ش ۱۵، ص ۷۰.

در مورد دولت ها ممکن است ادعای فورس ماژور رد شود چون به سختی قابل تصور است که امور داخلی را در شرایط معمول، خارج از کنترل یک دولت دانست. برای مثال در «دعوی ای ای پی . آل علیه دولت سریلانکا» چون اقدامات دولت، تنها راه ممکن برای مقابله با شرایط موجود نبوده است و همچنین، آن شرایط دشوار را خود دولت بوجود آورده بود، ادعای فورس ماژور رد شد. در واقع دیوان داوری بر این نظر بود که دولت می بایست قبل از حمله به کارکنان سرمایه گذار به منظور عملیات ضد تروریستی، اقداماتی احتیاطی انجام دهد، لذا اعمال ارتش برای دولت، خارجی تلقی نمی گردد.^{۳۷} همانطور که در پیش نویس مسئولیت بین المللی دولتها، ماده ی ۲۳ به این مسئله پرداخته شده است.

گفتار دوم: ماهیت و اعتبار یافته های فنی و مهندسی در تشخیص قوه قاهره

پیش از طرح پرسش اصلی درباره طبیعت یافته های فنی و مهندسی در تشخیص قوه قاهره و جایگاه آن ابتدا باید مشخص شود که این یافته ها با کدام از یک مفاهیم "اماره" و یا "دلیل" منطبق است. دلیل، به معنای خاص خود، عبارت از امری است که ذهن را به طور مستقیم به واقع هدایت می کند و شخص را به یقین یا ظنی نزدیک به آن (متأخم به علم) می رساند، ولی، اماره عبارت از اوضاع و احوالی است که همراه و قرین با واقع است و ذهن باید از این تقارن به یاری تجربه به واقع پی ببرد. تجربه مرسوم در این زمینه نیز حکم غلبه است: بدین معنی که، اگر اوضاع و احوالی به تکرار و در غالب موارد همراه و قرین با واقعیتی شود، ذهن با دیدن آن اوضاع و احوال چنین نتیجه می گیرد که به احتمال زیاد به آن واقع رسیده است. به بیان دیگر، در استناد به دلیل، میان آنچه حس می شود و آنچه به فهم در می آید ملازمه عقلی یا عادی یا قانونی هست، ولی در اماره این ملازمه وجود دارد و احتمال خلاف آن، هر چند ناچیزتر از حکم غلبه، وجود دارد. به همین جهت، دلالت دلیل بر واقع قطعی است، در حالی که دلالت اماره ظنی و ناشی از غلبه است.

نتیجه مهمی که از این تحلیل گرفته شده است چنین خلاصه می شود که دلیل قدرت مقابله با دلیل دیگر را دارد و ذهن یا قانون باید به ترجیح یکی بر دیگری پردازد، در حالی که اماره همیشه در برابر دلیل رنگ می بازد و قدرت مقاومت ندارد. ماده ۱۳۲۳ ق.م. در تأیید این نتیجه اعلام می کند که امارات قانونی در کلیه دعوی ... معتبر است، مگر آنکه دلیل بر خلاف آن موجود باشد و و بدیهی است که این نتیجه در اماره های قضایی که یافته های فنی و مهندسی می تواند یکی از آن ها به شما رود وجود دارد.

همان گونه که گفته شد، در قانون مدنی یافته های فنی و مهندسی در زمره دلایل نیامده است و این به ظاهر مخالفت با دلیل بودن آن و لزوم الحاق به یکی از دلایل می کند. از سوی دیگر، قانون آیین دادرسی مدنی (مواد ۲۵۷ به بعد) کارشناسی را (که از طریق استناد به یافته های فنی و مهندسی صورت می پذیرد) در زمره دلایل آورده است.

^{۳۷} - APLV Srilanka, mard, ۲۷ June ۱۹۹۰, ۳۰ELM (۱۹۹۱) ۵۷۷, paras ۷۲ - ۸۶,

at

<http://icsid.worldbank.org/ICSID/FrontServlet?requestType=GenCaseDtlsRH&actionV>
al Available Listconcluded. (Last access: ۳/۱۱/۲۰۱۴)

در پاسخ استنباط از قانون مدنی، می‌توان چنین تعبیر کرد که مقصود پیروی از نظر مشهور در فقه، الحاق کارشناسی به شهادت بوده است و در فرض موضوع مقاله به این معنا که یافته‌های فنی و مهندسی در قالب شهادت در دادگاه قابل استناد اند. در مورد قانون آیین دادرسی مدنی نیز می‌شود ایراد کرد که قانون نظر به مفهوم عام دلیل دارد که هم شامل دلیل به معنی خاص (مانند اقرار و سند و شهادت) است و هم به امارات. پس، شبهه باقی می‌ماند که استناد به یافته‌های فنی و مهندسی در زمره دلایل است یا امارات.

از نظر سنتی، به رویدادی که قانون نتیجه آن را قطعی و یقینی اعلام نکرده یا به گونه‌ای است که ذهن را به یقین نمی‌رساند و احتمال مخالفت در آن وجود دارد، دلیل به معنی خاص گفته نمی‌شود^{۳۸}، استقراء و تجربه و اتکاء بر فرضیه و تحقیق در دانش تجربی نیز از این قبیل است و نتایج آن را حداکثر می‌توان اماره نامید و تنها منطقی ریاضی است که به دلالت یقینی می‌انجامد. بر این پایه، استناد به یافته‌های فنی و مهندسی و شخصی که به آن استناد می‌کند، جز در مورد نقل مشاهدات خود، اماره است نه دلیل ولی، منطقی‌تر به نظر می‌رسد که این موضوع محدود را که یادگار عهد قدیم و در اثر منطقی موجود در لسان فقها است، باید ترک گفت، امروزه علم بر پایه فرضیه‌ها و استقراء و ظن‌ها و احتمال‌ها استوار است و هیچ نتیجه‌ای قطعی و یقینی و تمام شده نیست. همه چیز در حال تحول و حرکت و تکامل است و علم را در خلال همین حرکت و جوشش می‌بینند و سکون و قطع را نمی‌پسندند.

در چنین دنیایی، حقوق نیز نمی‌تواند خود را از معرکه دور بدارد و در قفس تنهایی خود بماند و حقوقدان نیز ناچار است جهان اعتبار را با واقعیت همگام سازد و به تجدید نظر در اصول سنتی بپردازد. بنابراین نتیجه استقراء و تجربه و ظن معتبر را باید به عنوان دلیل پذیرفت و نتیجتاً باید معتقد بود که یافته‌های فنی و مهندسی به عنوان دلیل معتبر است اما دلیلی که تغییر پذیر است و درجه‌ای از احتمال خطا را نیز دارد.

چنانچه به یافته‌های فنی و مهندسی از عینک سنتی دلایال و امارات در قانون مدنی نگاه شود این سوال مطرح می‌گردد که مگر آنچه را که با عنوان دلیل می‌پذیریم ما را به یقین می‌رساند؟ چه کسی می‌تواند تضمین کند که اقرار کننده، به دلیل حمایت از دیگران با دستیابی به منافع بیشتر با ده‌ها انگیزه دیگر، حقیقت را پوشیده نمی‌دارد و عدالت را فریب نمی‌دهد و چگونه است که اقراری شخصی می‌تواند مثبت وقوع قوه قاهره باشد اما یافته‌های علمی چنین توانی را ندارند.

قانون آیین دادرسی مدنی درباره اعتبار و قدرت اثبات کننده نظر کارشناس به عنوان کسی که به یافته‌های فنی و مهندسی استناد می‌نماید حکمی ندارد، در حالی که این امر نیز ممکن است در دادرسی مطرح و موجب اختلاف شود و یا علی‌رغم وجود قرائن متعدد دادرسی به آن بی‌توجه باشد.

اسناد به یافته‌های فنی و مهندسی در تشخیص قوه قاهره می‌تواند در هر دعوا مورد استناد واقع شود تا به دلیل برای رای قاضی بدل گردد. اعتبار استناد به این سافته‌ها به شرح ذیل قابل بررسی است.

^{۳۸} کاتوزیان، ناصر، فلسفه حقوق، ج ۲، انتشارات شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۵، ص ۲۶۱.

برخی از حقوقدانان، استناد به یافته های فنی و مهندسی در تشخیص قوه قاهره را در زمره و ادله اثبات دعوی می دانند. نظریه تعریف دلیل، و با عنایت به اندراج بحث کارشناسی در فصل رسیدگی به دلایل در قانون آیین دادرسی مدنی، ظاهراً به دلیل بودن یافته های فنی و مهندسی مطابق این دیدگاه قابل توجه است^{۳۹}.

برخی دیگر از حقوقدانان، استناد به یافته های فنی و مهندسی در تشخیص قوه قاهره را از وسایل اثبات، دعوی محسوب نموده اند. وسایل اثبات دعوی کلیه ابزار و اشیایی هستند که اصحاب دعوی برای اثبات و دفاع از دعوی به دادگاه ارائه می دهند. وسایل اثبات دعوی غیر از ادله ای است که قانونگذار در ماده ۱۲۵۸ قانون مدنی احصاء کرده است. برخلاف ادله اثبات دعوی که بعضاً اعتبار خود را تنها از شارع و قانونگذار اخذ می کنند، وسایل اثبات دعوی اعتبار خود را از عقل اخذ می نمایند. ادله اثبات دعوی اخبار از حق می کنند اما، وسایل اثبات دعوی دلالت عقلی از حق دارند. مثل دلالت دود بر آتش و دلالت اثر انگشت بر وجود مؤثر.^{۴۰}

گروه دیگری از اندیشمندان و رویه قضایی، استناد به یافته های فنی و مهندسی در تشخیص قوه قاهره را از « امارات » محسوب نموده اند. رویه اغلب دادگاههای تالی و عالی آن است که نظریه کارشناسی را از امارات قضایی محسوب می کنند.

استناد به یافته های فنی و مهندسی باید قناعت وجدان دادرس را تأمین کند و هیچ گاه پذیرش آن بر او تحمیل نمی شود. به همین جهت، در ماده ۲۹۵ ق.آ.د.م. مقرر می دارد: در صورتی که نظر کارشناس (به عنوان مجرای استناد به یافته های فنی و مهندسی) با اوضاع و احوال محقق و معلوم مورد کارشناسی مطابقت نداشته باشد، دادگاه به آن ترتیب اثر نخواهد داد.

مفهوم ماده این است که دادگاه نمی تواند بعد از وصول نظر مستند به یافته های فنی و مهندسی به آن بی اعتنا بماند. هر اقدام که دادگاه می کند و هر اختیاری که به او داده شده است، ناشی از وظیفه حقگزاری است و باید موجه و قابل ارزیابی باشد. یافته های فنی و مهندسی اماره بر واقع است و نباید بی دلیل از آن گذشت، ولی احتمال دارد قاضی به قرائن دیگری دست یابد که بی اعتباری ادعای مطرح شده را نشان دهد یا قرینه دیگری او را به تردید اندازد.

در این فرض، دادگاه می تواند به تحقیق بیشتر بپردازد و در صورتی که به نتیجه مخالف برسد، به نظر مدعی ترتیب اثر ندهد. ماده ۲۹۳ ق.آ.د.م. بیا می دارد در صورت لزوم تکمیل تحقیقات با اخذ توضیح از کارشناس (کارشناس به عنوان منشا استناد به یافته های فنی فرض می گردد)، دادگاه موارد تکمیل و توضیح را، در صورت مجلس منعکس و به کارشناس اعلام و کارشناس را برای اداء توضیح دعوت می نماید. در صورت عدم حضور، کارشناس جلب خواهد شد، هر گاه پس از اخذ توضیحات، دادگاه کارشناسی را ناقص تشخیص دهد، قرار تکمیل آن را صادر و به همان کارشناس با کارشناس دیگر محول نماید؛ به عبارت دیگر علی رغم عدم اقتناع دادرس باز هم راه استناد به یافته های فنی و مهندسی مسدود نمی گردد.

^{۳۹} همو، ۲۶۸.

^{۴۰} همو، ۲۹۱.

ترتیب اثر ندادن به یافته های فنی و مهندسی ادعا شده در جریان دادرسی در صورت عدم مطابقت آن با اوضاع و احوال محقق و معلوم مورد کارشناسی و در موردی ممکن است که کارشناسی به درخواست یکی از طرفین دعوی با به تشخیص دادگاه صورت گرفته باشد نه موردی که طرفین نظریه یک کارشناس فنی را از قبل پذیرفته و به آن تراضی کرده اند. در این صورت آنچه برای دادگاه مبنای تصمیم گیری است تراضی طرفین در قاطع دانستن نظریه کارشناس است.^{۴۱}

مؤید این استنباط تبصره ماده ۳۲۱ قانون آیین دادرسی مدنی است که بیان می دارد: احکام مستند به اقرار در دادگاه یا مستند به رأی یک یا چند نفر کارشناس که طرفین کتبا رأی آنان را قاطع دعوی قرار داده باشند قابل درخواست تجدید نظر نیست و با توجه به این تبصره نتیجه گرفته می شود که وقتی نظریه علمی یا فنی مورد تراضی می تواند به رأی صادره قطعیت دهد دادگاه نیز قبل از صدور رأی نمی تواند از پذیرفتن نظری که طرفین آن را قاطع دعوی قرار داده اند خودداری کند.

در صورتی که دادگاه نخواهید از نظر کارشناس و ادعای وی در استناد به یافته های فنی و مهندسی متابعت کند، باید دلیل آن را ذکر کند در یکی از آراء دیوان عالی کشور آمده است: « پس از این که دادگاه قرار ارجاع امر به کارشناسی برای معاینه محل صادر نمود، دیگر نمی تواند بدون ذکر اوضاع و احوال محقق و معلوم از متابعت نظریه کارشناس خودداری کند^{۴۲} ».

نتیجه گیری

در نظام های حقوقی مختلف ماهیت فورس ماژور به عنوان یکی از اسباب معافیت از انجام تعهدات قراردادی شناسایی شده است. در حقوق ایران در صورت بروز حوادثی که به سبب دارا بودن شرایط خاصی مانند غیر قابل پیش بینی بودن، غیر قابل دفع بودن و ... قوای قاهره نامیده می شوند و امکان اجرای قرارداد را از بین می برند، متعهد از انجام تعهدات خود مبری می گردد که در ماده ۲۲۷ و ۲۲۹ قانون مدنی بدان اشاره شده است. از دیگر موادی که در آنها به فورس ماژور اشاره شده می توان به ماده ۱۲ قانون مسئولیت مدنی اشاره کرد.

همانگونه که مشخص است یافته های فنی و مهندسی نه تنها در پیش بینی پذیری یا عدم آن منشا آثار حقوقی هستند بلکه در احراز دیگر ارکان قوه قاهره نیز موثر واقع می شوند به گونه ای که با اتکا به یافته های فنی و مهندسی می توان از وقوع یا عدم وقوع قوه قاهره حصول اطلاع و اطمینان نمود.

بررسی بیشتر مفهوم فورس ماژور نشان می دهد که معیار های سه گانه خارجی بودن، غیر قابل کنترل (دفع) بودن و غیر قابل پیش بینی بودن که برای تحقق فورس ماژور ذکر شده است همگی توسط معیارهای عرفی شناسایی می گردند. جز با تمسک به حرف نمی توان حدود و ثغور معیارهای مذکور را احراز نمود و آنچه بدیهی است حکایت از آن دارد که عرف مفسر قرارداد، همواره تابع یافته های علمی می باشد. در میان شاخه های علمی یافته های فنی و مهندسی بیش از دیگر عرصه ها مبین حدود و ثغور قوه قاهره است آنگونه که نشان می دهد چه امری قابل کنترل است و دفع چه مساله ای امکان ندارد، دانش فنی است که پیش بینی پذیری یا عدم

^{۴۱} شمس، عبدالله، اجرای احکام مدنی، انتشارات دراک، ۱۳۹۲، ص ۴۶.
^{۴۲} حکم شماره ۸/۳۵۱ شعبه سوم دیوان کشور مورخ ۱۳۲۰/۸/۲۹

آن نسبت به امری را مشخص میکند و در یک کلام این دانش فنی و مهندسی است که موقعیت فورس ماژور را از موقعیت عادی تشخیص می دهد؛ بر این اساس پیشرفت در حیطة فنی و مهندسی نقشی مستقیم در شناخت ما از مصادیق فورس ماژور دارد که شرح بیشتری از آن در متن مقاله منعکس گردید.

نکته دیگری که در این زمینه حائز اهمیت می باشد اعتبار قضایی یافته های فنی و مهندسی برای دادگاه است. یافته های فنی و مهندسی می تواند تحت دو مفهوم « دلیل » یا « اماره » برای دادگاه تحلیل گردد. نگرش سنتی موجود در قانون مدنی حاکی از اماره شمردن یافته های فنی و مهندسی است اما رویه ای که قانون آیین دادرسی مدنی در بحث کارشناسی ثر پیش گرفته است این مفهوم را به ذهن متبادر می سازد که یافته های فنی و مهندسی امری میان دلیل و اماره اند که از طرفی دادگاه نمی تواند بی جهت استناد به آنها را کنار بگذارد و از طرف دیگر تعبدی به اصدار ای بر مبنای آن ندارد.

منابع و مأخذ

کتابها و مقالات

- حبیبی، محمود، تفسیر قراردادهای تجاری بین المللی، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۹.
- حسین آبادی، امیر، مجله تحقیقات حقوقی دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۲۱-۲۲، ۱۳۹۲.
- حکمت، محمد علی، مجله حقوقی دفتر خدمات شماره ۲، تابستان ۶۴، ص ۶۸.
- شهیدی، مهدی، حقوق قراردادها، تهران، انتشارات مجد، ۱۳۸۳.
- عمید، حسن، فرهنگ فارسی، نشر امیرکبیر، تهران، ۱۳۷۷.
- قشقای، حسین، شیوه تفسیر قراردادهای خصوصی در حقوق ایران و نظام های حقوقی معاصر، قم، دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم، ۱۳۷۸.
- صفایی، سید حسین " قوه ی قاهره با فورس ماژور بررسی اجمالی در حقوق تطبیقی و حقوق بین الملل و قراردادهای بازرگانی بین المللی"، مجله ی حقوقی، دفتر خدمات حقوقی بین المللی، ش ۶، تابستان ۱۳۶۴
- کاتوزیان، ناصر، فلسفه حقوق، جلد دوم، چاپ دوم، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۵.
- Barak A., ۲۰۰۵, Purposive Interretation in Law, Princeton University Press and Oxford, New Jersey.
- Berger, Klaus Peter, Renegotiation and Adaption of International Investment Contracts: Contract Drafters and Arbitrators, Vanderbilt Journal of Transnational Law, The Role of ۱۳۵۲۰۰۹,P
- Brunner, Christopher, Force Majeure and Hardship under General Contract Principles.Exemption for Non Performance in International Arbitration, Kulwer ۲۰۰۹.
- Bokstigel, karl-Heinz, "Enterprise V.State". Annual International Arbitration, ۲۷ September ۲۰۰۶, p.۴,۳; Scott Maravilla, Christopher, PP-۸۳-۸۴.
- Campbell-Henry, blacks Law Dictionary, ۱۵ the edit, U.S.A, West Pub, ۱۹۸۳.

Honnold, John. Uniform Law for International Sales under the ۱۹۸۰ United Nations Convention, ۳ Edition, kluwer Law International, ۱۹۹۹, p. ۴۸۸; schechtriem, peter, Uniform Sales under the ۱۹۸۰ United Nations Convention, ۳rd Edition, kluwer Law International, ۱۹۹۹ Murray. Carole. M.A. et al., Schimitihoffs Export Trade The Law and Practice of International Trade, Sweet & Maxwell, Eleventh Edition, ۲۰۰۰.

Melis warner," Force Majeure and Hardship Clauses in International Commercial Contracts,in View of the Practice of ICC court of Arbitraion ", Journal of International Arbitration,۱۹۸۴

Philippe LE Tourneau, Droit De La Responsabilite Des Contrats, Dalloz, ۶h ed. (۲۰۰۶- ۲۰۰۷) Quebec: Baudouin Jodin, Les Obligations, Edition YvonBlais, ۶h ed. (۲۰۰۵), ۹۳۸. Greece: Supreme, Court (۲۰۰۳), No. ۶۷/۲۰۰۳ (۳۲۰۱۲۶) Nomos - However the analysis that follows proves the relativity of the Concept based on three elements.

Perillo, Joseph, "Force Majeure and Hardship Under the Unidroit Principles of International Commercial Contract", ۵ Tulane Journal of International Comparative Law (۱۹۹۷).

SPJM Declera."Modern Analysis of the Legal Effects of Force Majeure Clauses in Situation of Commerical Impracticability" ۱۵ Jounal of Law, Commerce (۱۹۹۵), ۲۷۳, ۲۱۴.

Trackman Dean, Leon E,"Declaring Force Majeure: Veracity or sham", August ۲۰۰۷, Selected Works. Bepress,

The Authority English Cases on Impossibility and Impracticabilityare taylor V. Caldwell, ۳۲ LYQB ۱۶۴ (۱۸۳۶).

Treitl, Sir Guenter, "Frustration and Force Majeure", Sweet and Maxwell, ۲۰۰۸,p.۵۱۴ para ۱۳-۰۱۲.

• دعاوی و پرونده ها

Cass ۱ Civ. (۳ july ۲۰۰۲), No.۹۹ -۲۰۲۱۷ legifrance. Ouebec: in Metal Recycle (FNF) inC.V.Transnat Express inC., the court held that theft of goods transported by the carrier is not a force majeure event except in extraordinary Circumstances. Greece: Athens Court of Appeals (۱۹۸۷), No. ۱۴۳۲/۱۹۸۷ (۶۴۲۹۶) Normos.

Transnational Finance Corporation V. United States ۳۶۳ F۲۰ ۳۱۲ at ۳۱۸ ۱۹۶۶; Treitel, SirGuenter," Frustration and Force Majeure", Sweet & Maxwell. ۲۰۰۸, P-۵۰, para ۱۳-۰۱۱۰;David Rivkin.W, "Lex Mercatoria and Force Majeure", pub ICC, No ۴۸۰.۴.۱۹۹۹, p.۱۶۹.

National oil Corp. (Noc) V. Libyan sun oil co; First Award of ۳۱ May ۱۹۸۵, ۲۹ ILM (۱۹۹۰) p. ۵۶۵ at p. ۵۸۴ yearbook XVL (۱۹۹۱) ۵۴ at P. ۵۷; R. Doak, Bishop. International Arbitration of Petroleum Disputes: The Development of Lex Petrolia-۱۹۹۸-p. ۱۱۶۸, Available at:<http://www.translex.org/۲۰۴۴۶۲> (Last access ۳۱/۲۰۱۴)